

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## منافیات نماز

### ریا

از منافیات دیگر نماز، ریا است. در بحث منافیات عرض کردیم برخی از منافیات ناشی از این است که عمل انسان در چشم خود او خیلی بزرگ جلوه کرده است و به خاطر اینکه با خود می‌گوید من عمل خیلی بزرگی انجام داده‌ام و انسان خیلی مهمی هستم، شعفناک و دچار خودشیفتگی شده است. نمونه‌ی آن عجب بود که خدمتتان عرض کردیم. یک جنبه‌ی دیگر منافیات این است که انسان عمل خودش را زیبا جلوه دهد و در معرض دیگران قرار دهد. به این کار ریا یا سُمعه گفته می‌شود. "ریا" در معرض دید قرار دادن است و "سُمعه" یعنی به سمع شخص دیگری رساندن. چشم و گوش مجراهای آگاهی است. یعنی دیگران را متوجه کردن که من چقدر شخص خوبی هستم؛ چه عبادات و طاعات برجسته‌ای، چه اعمال صالحی و چه کارهای خیری انجام می‌دهم و امثال اینها. اکنون می‌خواهیم وارد بحث ریا شویم که یکی دیگر از منافیات مهم نماز و همه‌ی عبادات و اعمال صالح است.

### ریا در قرآن و روایات

قرآن کریم به نمازگزاران ریاکار فرمود: وای بر شما! به کسانی که نماز نمی‌خوانند نمی‌گوید وای بر شما! به کسانی که نماز می‌خوانند و ریا می‌کنند، فرمود: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» وای بر

نمازگزاران! «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ؛ الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ»<sup>۱</sup> فرمود: وای بر نمازگزاران! آنها که نمازشان بی محتوا، توخالی و فارغ و فاقد توجه است. چه کسانی نمازشان این گونه است؟ «الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ» کسانی که ریا می کنند؛ نمازشان را به رخ این و آن می کشانند و توجه دیگران را به نماز خود جلب می کنند تا خودشان را انسانی بسیار بزرگ و اهل طاعت و عبادت جلوه دهند.

پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «إِنَّ النَّارَ وَ أَهْلَهَا يَعْجُونَ مِنْ أَهْلِ الرِّيَاءِ» دوزخ و دوزخیان از اهل ریا فریادشان بلند است. «فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ تَعِجُ النَّارُ» عرض کردند یا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! چگونه فریاد آتش دوزخ از دست اهل ریا بلند است؟ «قَالَ مِنْ حَرِّ النَّارِ الَّتِي يُعَذِّبُونَ بِهَا»<sup>۲</sup> فرمودند: آتش دوزخ از شدت آتشی که اهل ریا با آنها عذاب می شوند، به شدت در عذاب است و فریادش بلند است. ببینید اهل ریا چه عذابی متحمل می شوند که آن عذاب برای خود آتش دوزخ هم غیر قابل تحمل است! چه چیز مهلک و خطرناکی است ریا!

باز از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، حضرت فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: أَنَا أَعْتَى الْإِعْتِيَاءِ عَنِ الشَّرِكِ» خدای متعال می فرماید: من بی نیازترین بی نیازها از شریک داشتن هستم. «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا فَأَشْرَكَ فِيهِ غَيْرِي؛ فَتَصِيبِي لَهُ» هر کس عملی انجام دهد که در آن عمل، غیر از من دیگری را هم شریک کند؛ من و دیگری هر دو در نظرش باشیم و با آن عمل بخواهد هم رضایت مرا به دست بیاورد و هم خوشنامی بین خلق را؛ کسی این گونه عبادت انجام دهد، بخشی از

۱. سوره ی ماعون، آیه های ۴ و ۵ و ۶.

۲. مجلسی، بحار، ج ۶۹، ص ۳۰۵ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰۷ و محدث قمی، سفینة البحار، ج ۳، ص ۲۶۷.

عملش هم که نصیب و قسمت من است، مال شریکم. «فَأَنَا لَا أَقْبَلُ إِلَّا مَا كَانَ خَالِصًا لِي»<sup>۳</sup> من خدا جز آنچه خالص برای من انجام شود، چیز دیگری را قبول نمی‌کنم. عملی که در آن انگیزه‌ی غیرالهی وجود دارد، ولو انگیزه‌ی الهی هم دارد؛ اما خالص نیست؛ من خدا پذیرای آن نیستم. آن عمل را طرد می‌کنم و می‌گویم قسمتی را هم که برای من انجام دادی، مال همان کسی که نیمه‌ی دیگر عمل را به خاطر او انجام دادی. من هیچ‌چیز از آن را نمی‌خواهم و نمی‌پذیرم.

همین‌طور پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «إِنَّ الْجَنَّةَ تَكَلَّمَتْ وَ قَالَتْ إِنِّي حَرَامٌ عَلَى كُلِّ بَخِيلٍ وَ مُرَاءٍ»<sup>۴</sup> بهشت زبان گشود و سخن گفت و در سخن گفتن خود این را ابراز کرد که من بر هر شخص بخیل و هر شخص ریاکار حرامم. بهشت بر انسان ریاکار و اهل‌ریا حرام است و دوزخ بر او واجب، و در دوزخ هم عذابی می‌شود که آتش دوزخ از آن در عذاب است!

باز پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «أَنَّ أَوَّلَ مَنْ يُدْعَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ جَمَعَ [تَعَلَّمَ] الْقُرْآنَ وَ رَجُلٌ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ رَجُلٌ كَثِيرُ الْمَالِ» (به این حدیث خوب دقت کنید؛ پشت انسان را می‌لرزاند.) حضرت فرمودند: در روز قیامت اولین کسانی را که برای رسیدگی به اعمالشان و تعیین سرنوشتشان، که بهشتی باشند یا دوزخی، صدا می‌زنند، سه گروهند: یکی کسی که اطلاعات قرآنی جمع‌آوری کرده؛ قرآن آموخته و معلم قرآن بوده است. این گروه اول که روز قیامت صدایشان می‌زنند و می‌گویند بیا جلو. دیگری کسی که در جهاد در راه خدا کشته و شهید شده است؛ او را هم برای رسیدگی به اعمالش صدا می‌زنند. سوم: شخصی

۳. حرّ عاملی، الجواهر السنّیة، ص ۳۳۲.

۴. مجلسی، بحار، ج ۶۹، ص ۳۰۵ و محدّث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۱، ص ۱۰۷ و محدّث‌قمی، سفینة‌البحار، ج ۳، ص ۲۶۷.

که ثروت انبوهی داشته است. او را هم صدا می‌کنند. اول به حساب این سه گروه رسیدگی می‌کنند. «فَيَقُولُ اللَّهُ: عَزَّ وَجَلَّ لِلْقَارِي» روز قیامت خدای عزوجل به فردی که قاری قرآن است، می‌فرماید: «أَلَمْ أَعْلَمَكَ مَا أَنْزَلْتُ عَلَى رَسُولِي» آیا علم قرآن را که بر پیامبرم ﷺ نازل کردم، به تو ندادم و به تو نیاموختم؟ «فَيَقُولُ: بَلَى يَا رَبِّ» قاری یا معلم قرآن عرض می‌کند: بله پروردگارا! علم قرآن را به من دادی و من عالم به قرآن و معلم آن شدم. «فَيَقُولُ: مَا عَمِلْتَ فِيهَا عَلِمْتَ» خدای متعال می‌فرماید: در رابطه با چیزی که علمش را پیدا کردی، یعنی قرآن، چه کردی؟ «فَيَقُولُ يَا رَبِّ قُمْتُ بِهِ فِي آثَاءِ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ» عرض می‌کند: پروردگارا! من در دل شب و در دو سوی روز، ابتدا و پایان روز، مشغول تلاوت قرآن بودم؛ در سحرگاهان قرآن تلاوت کردم؛ در طلوعه‌ی صبح قرآن تلاوت کردم و در آغاز شب قرآن تلاوت کردم. من در دنیا با قرآن مانوس بودم. «فَيَقُولُ اللَّهُ: كَذَبْتَ» خدای متعال می‌فرماید: دروغ گفتی! «وَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: كَذَبْتَ» ملائکه هم می‌گویند تو دروغ گفتی ای قاری قرآن! «وَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّمَا أَرَدْتُ أَنْ يَقَالَ فُلَانٌ قَارِيٌّ؛ فَقَدْ قِيلَ ذَلِكَ» خدای متعال می‌فرماید: ای قاری قرآن! ای معلم قرآن! تو همه‌ی این کارها را برای این کردی که بگویند فلانی عَجَب قاری برجسته‌ای است! این حرف را هم برایت زدند؛ پس تو چیزی نداری اینجا ارائه کنی. تو همه‌ی این کارها را برای شهرت پیدا کردن، برنده شدن در مسابقات قرآن و در صدر مجالس قُرْآن نشستن کردی؛ برای من خدا که کاری نکردی! این از قاری. «وَيُؤْتِي بِصَاحِبِ الْمَالِ» سپس شخص ثروتمند را می‌آورند. «فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَلَمْ أَوْسِعْ عَلَيْكَ الْمَالَ حَتَّى لَمْ أَدْعُكَ تَحْتَاجُ إِلَى أَحَدٍ» خدای متعال به ثروتمند می‌فرماید: آیا من به ثروت تو توسعه ندادم، به گونه‌ای که به احدی محتاج نبودی؟ «فَيَقُولُ: بَلَى يَا رَبِّ» ثروتمند عرض

می‌کند: بله پروردگارا! ثروت انبوه و عظیمی به من عطا کردی و من به هیچ‌کس نیازمند نبودم. «فَيَقُولُ: فَمَا عَمَلْتَ بِمَا آتَيْتُكَ» خدای متعال می‌فرماید: با ثروتی که در دنیا به تو دادم، چه کار کردی؟ «قَالَ: كُنْتُ أَصِلُ الرَّحِمَ وَ أَتَصَدَّقُ» عرض می‌کند پروردگارا! با ثروتی که به من دادی، صله‌ی رحم کردم (چون صله‌ی رحم فقط سلام‌علیک کردن و دید و بازدید کردن نیست. رسیدگی به ارحام نیازمند و برطرف کردن نیاز آنها یکی از جنبه‌های اساسی صله‌ی رحم است. اگر شخص فقیری در فامیل شما وجود دارد که از فقر و نیازمندی به خود می‌پیچد، شما مدام به او تلفن بزنید و بگویید احوالت چه‌طور است؟ دائم بروید خانه‌اش مهمانی و آمدوشد کنید، این چه صله‌ی رحمی است؟! عرض می‌کند: پروردگارا! با مالی که به من دادی، صله‌ی رحم کردم و به بستگان نیازمندم کمک نمودم و علاوه‌بر آن تصدق کردم، صدقه دادم و به افرادی که فامیل من هم نبودند، اما نیازمند، فقیر و تهی‌دست بودند، از این ثروت بسیار دادم. «فَيَقُولُ اللَّهُ: كَذَبْتَ» خدای متعال می‌فرماید: دروغ گفتی! «وَ تَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: كَذَبْتَ» ملائکه هم می‌گویند: دروغ گفتی ای ثروتمند! «وَ يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: بَلْ أَرَدْتُ أَنْ يُقَالَ فُلَانٌ جَوَادٌ وَ قَدْ قِيلَ ذَلِكَ» خدای متعال می‌فرماید: همه‌ی انفاق‌هایی که در حق بستگان نیازمند و دیگر افراد تهیدست کردی، برای این بود که بگویند عجب آدم سخاوتمندی است! این حرف را هم زدند؛ پس امروز چیزی نداری برای ما ارائه کنی. اینها را کردی که به سخاوت مشهور شوی. «وَ يُؤْتَى بِالْأَيِّ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» سپس فردی را که در راه خدا کشته و شهید شده است، احضار می‌کنند. «فَيَقُولُ اللَّهُ: مَا فَعَلْتَ» خدای متعال به شهید و کشته‌ی در راه خدا می‌گوید: چه کار کردی؟ «فَيَقُولُ: أَمَرْتُ بِالْجِهَادِ فِي سَبِيلِكَ فَفَاتَلْتُ حَتَّى قُتِلْتُ» او به پروردگار عرضه می‌دارد: خدایا! شما امر کردید و فرمان دادید در راه شما

جهاد کنیم؛ من هم به میدان مقاتله، جهاد و کارزار رفتم و جنگیدم تا اینکه در پایان مبارزه‌هایم، شهید شدم. «فَيَقُولُ اللَّهُ: كَذَّبَتْ» خدای متعال می‌فرماید: دروغ گفتی! «وَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: كَذَّبَتْ» ملائکه هم می‌گویند: دروغ گفتی ای کسی که در کارزار کشته شدی. «وَيَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: بَلْ أَرَدْتُ أَنْ يَقَالَ فُلَانٌ شُجَاعٌ جَرِيءٌ فَقَدْ قِيلَ ذَلِكَ» خدای متعال به او می‌فرماید: اینکه در میدان نبرد این همه سلحشوری نشان دادی، اینکه از جانت گذشتی، با دلاوری تمام به دل دشمن یورش بردی و تا پای کشته شدن پایمردی کردی، همه‌ی اینها به خاطر این بود که دیگران بگویند عَجَبَ فَرْدٍ جَسُورٍ وَ شَجَاعِيٍّ است! این حرف را هم برای تو زدند؛ پس تو امروز برای من چیزی نداری. «ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أُولَئِكَ خَلَقَ اللَّهُ تَشْعُرَ بَعْضِهِمْ نَارًا جَهَنَّمَ»<sup>۵</sup> سپس پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: این خلائق را می‌بینید، قاری قرآن، ثروتمند گشاده‌دست و فردی که در کارزار در راه خدا کشته شده بود؛ اینها کسانی هستند که آتش جهنم بر آنها فروزان می‌شود و همه‌ی آنها را می‌بلعد. از این حدیث پشت انسان می‌لرزد که ریا چه می‌کند با انسان!

امام صادق عليه السلام فرمودند: «إِيَّاكَ وَ الزَّيَاءَ» بپرهیز، بترس و هشدار به تو از ریا! «فَإِنَّهُ مِنْ عَمَلٍ لِيُغَيَّرَ اللَّهُ وَكَلَّمَ اللَّهُ إِلَى مَنْ عَمِلَ لَهُ»<sup>۶</sup> چراکه کسی که برای غیر خدا کار می‌کند، خدا او را به همان غیر خدا وا می‌گذارد و می‌گوید تو برای خلق کار می‌کنی؛ پس برو نیازهایت را هم از خلق بگیر؛ مشکل‌گشایی کارهایت را هم از خلق انتظار داشته باش و به من چشم ندوز. تو تکیهات را به خلق دادی، پس برو به خلق اتکا کن. فرمودند: برحذر باشید از ریا؛ زیرا

<sup>۵</sup> مجلسی، بحار، ج ۶۹، ص ۳۰۵ و محدث‌نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۱۱.

<sup>۶</sup> کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۹۳ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۶۵ و مجلسی، بحار، ج ۶۹، ص ۲۶۶.



کسی که ریا می‌کند، خدا اتکال او را به همان غیر خدا می‌دهد؛ به کسانی می‌دهد که او برای جلب توجه، محبت و خوشبینی‌شان به خودش از رهگذر آن اعمال، کار انجام می‌دهد.

«فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ "فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا"<sup>۷</sup>» در رابطه با این آیه‌ی قرآن کریم "که هر کس آرزومند و امیدوار به دیدار پروردگارش است، برای اینکه به لقاءالله و دیدار خدا نایل شود، باید عمل صالح انجام دهد؛ در عبادت پروردگارش احدی را شریک نکند و عمل را خالص انجام دهد." منظور این آیه کسی است؛ که ولو طاعت و عبادتی هم انجام می‌دهد، اما طاعت و عبادتی نیست که او را به لقاء و وصال خدا برساند؟ امام صادق علیه السلام در توضیح آیه فرمودند: «قَالَ الرَّجُلُ يَعْمَلُ شَيْئًا مِنْ الثَّوَابِ لَا يَطْلُبُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ» انسانی عملی را از اعمال نیک و شایسته، اعمالی که در قبال آنها ثواب و پاداش الهی وعده داده شده است، انجام می‌دهد؛ ولی در انجام آن عمل غرض و هدف او خدا نیست و برای جلب توجه دیگران انجام می‌دهد؛ «إِنَّمَا يَطْلُبُ تَزَكِيَةَ النَّاسِ» او انجام می‌دهد تا مردم او را انسان خوبی بدانند و بگویند عَجَبَ شخص بامعنویتی است! عَجَبَ انسان مخلصی است! عَجَبَ شخص مخلص اهل طاعت، تقوا و پاکدامنی‌بی است! برای اینها انجام می‌دهد؛ «يَشْتَهِي أَنْ يُسْمِعَ بِهِ النَّاسَ» او تمایل دارد اعمال خیر و طاعت و عبادتی را که انجام می‌دهد، به گوش مردم برساند و مردم را مطلع کند که چنین کار خیری را انجام می‌دهد؛ مثلاً نماز باحالی می‌خواند، یا چنین انفاق فراوانی به فقرا می‌کند؛ «فَهَذَا

<sup>۷</sup>. سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۱۱۰.

الَّذِي أَشْرَكَ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ» امام صادق عليه السلام فرمودند: او شخصی است که در رابطه با عبادت پروردگار خود شرک ورزید و در عبادت شریکی برای خدا قرار داد. «ثُمَّ قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ أَسْرَّ خَيْرًا فَذَهَبَتِ الْآيَامُ أَبَدًا حَتَّى يُظْهَرَ اللَّهُ لَهُ خَيْرًا» سپس حضرت فرمودند: هیچ بنده‌ای نیست که عمل خیری را مخفیانه انجام دهد، نگذارد کسی مطلع شود و ایامی از عمل خیر مخفیانه‌ی او بگذرد، مگر اینکه خدا خیر او را آشکار می‌کند. او مخفی کرد؛ اما خدا آشکارش کرد. متقابلاً فرمودند: «وَمَا مِنْ عَبْدٍ يُسِرُّ شَرًّا فَذَهَبَتِ الْآيَامُ أَبَدًا حَتَّى يُظْهَرَ اللَّهُ لَهُ شَرًّا»<sup>۸</sup> هیچ کس هم نیست که یواشکی، دور از چشم خلق، کار شری را انجام دهد و زمانی بگذرد، مگر اینکه خدا بالاخره کار شر او را برملا می‌کند؛ آبروی او را خواهد برد و آشکار می‌کند که او چه انسان پلیدی است؛ او که در ظاهر با سالوس و ریا خود را نیک جلوه می‌داد؛ اما در خلوت‌ها چه نمی‌کرد و دور از چشم دیگران چه مرتکب نمی‌شد! خدا بالاخره برملا می‌کند. به قول شاعر:

لطف حق با تو مداراها کند      چون که از حد بگذرد رسوا کند

حدیث دیگر: «قَدْ رَوَى أَنَّ الرَّجُلَ قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» روایت شده است کسی به پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کرد: «ضُمَّتُ الدَّهْرَ يَا رَسُولَ اللَّهِ» ای رسول خدا! همه‌ی روزگارم و تمام عمرم را روزه داشته‌ام. همه‌ی روزهای عمرم را روزه گرفته‌ام. «فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَا ضُمَّتَ وَلَا أَفْطَرْتَ»<sup>۹</sup> پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: تو نه روزه بودی و نه افطار کردی که چیزی بخوری؛ یعنی فقط گرسنگی کشیدی؛ ولی در نامه‌ی اعمال این گرسنگی کشیدن‌ها را به حساب

<sup>۸</sup> کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۹۴ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۷۱ و مجلسی، بحار، ج ۶۹، ص ۲۸۱.

<sup>۹</sup> شهید ثانی، التنبیهاث العلیة فی الصلاة القلیبة و اسرارها، باب منافیات، مبحث ریا.



روزه نگذاشتند. چراکه به خلق عرضه کردی و به مردم ارائه دادی که من کسی هستم که همه‌ی روزهای عمرم را روزه‌ام. فرمودند: «مَا ضَمْتُ وَ لَا أَفْطَرْتُ» نه روزه بودی که اجر و سازندگی روزه نصیب شود و نه افطار کردی که لااقل شکمت سیر شود و گرسنگی تو را اذیت نکند. از اینجا مانده و از آنجا رانده.

همچنین از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است که فرمودند: «الشُّرْكُ فِي أُمَّتِي أَخْفَى مِنْ دَيْبِ التَّمَلَّةِ [مِنْ أُمَّرِ النَّزَّةِ] السُّودَاءِ عَلَى الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ»<sup>۱۰</sup> می‌دانید در امت من و در مردم مسلمان نفوذ شرک در وجود یک انسان چقدر نامحسوس است؟! نامحسوس‌تر از حرکت یک مورچه‌ی سیاه‌رنگ است بر روی صخره‌ی سخت سیاه‌رنگی در یک شب تاریک و ظلمانی. شما فکر کنید اگر یک مورچه‌ی ریز که خودش سیاه‌رنگ است؛ روی یک صخره‌ی سیاه‌رنگ، در شب تاریک و ظلمانی حرکت کند، اصلاً می‌شود متوجه شد؟! پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: شرک در امت من از این هم نامحسوس‌تر است و در وجود انسان‌ها نفوذ می‌کند.

«رُؤَى فِي الصَّحِيحِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سُئِلَ فِيمَا التَّجَاةُ عَدَاءً» از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پرسیده شد فردای قیامت نجات در چیست؟ «قَالَ إِنَّمَا التَّجَاةُ فِي أَنْ لَا تُخَادِعُوا اللَّهَ فَيَخْدَعَكُمْ» پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: منحصرأً نجات در این است که شما با خدا خدعه نوزید؛ چراکه اگر با خدا خدعه بورزید، خدا هم خدعه‌ی شما را تلافی می‌کند و به شما خدعه می‌زند. «فَأَنَّهُ مَنْ يُخَادِعِ اللَّهَ يَخْدَعُهُ» چراکه هرکس با خدا خدعه بورزد، خدا خدعه‌ی او را به خودش

۱۰. ابن‌ابی‌جمهور، عوالی‌النالی، ج ۲، ص ۷۴ و مازندرانی، شرح‌الکافی، ج ۸، ص ۴۶ و صدرالدین‌شیرازی، شرح‌اصول‌الکافی، ج ۱، ص

برمی گرداند و کیفر خدعه‌ی او را با خدعه‌ای به او می‌دهد. «و يَخْلَعُ مِنْهُ [عَنْهُ] الْإِيمَانَ» و ایمان را از او خلع می‌کند و باز می‌ستاند. «و نَفْسُهُ يَخْدَعُ لَوْ يَشْعُرُ» و انسانی که با خدا خدعه می‌ورزد، اگر بداند، خودش را گول می‌زند و سر خودش کلاه می‌گذارد؛ اما نمی‌فهمد؛ شعور ندارد و فکر می‌کند سر خدا کلاه می‌گذارد. «فَقِيلَ لَهُ وَ كَيْفَ يُخَادِعُ اللَّهُ» به پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عرض کردند چگونه انسان به خدا خدعه می‌زند؟ «قَالَ يَعْمَلُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ ثُمَّ يُرِيدُ بِهِ غَيْرَهُ» حضرت فرمودند: خدعه زدن به خدا این است که شخص عملی را طبق امر و فرمان خدا انجام می‌دهد؛ اما انگیزه‌اش در انجام عمل رضایت خدا نیست؛ بلکه انگیزه‌اش غیر خدا است؛ می‌خواهد بین خلق جلب‌نظر کند؛ خوش‌بینی دیگران را به خود جلب کند؛ در دل دیگران جا پیدا کند و اعتماد دیگران را به خود جلب کند. بعد حضرت فرمودند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الرِّيَاءَ» از خدا تقوا پیشه کنید و از ریا بپرهیزید. «فَإِنَّهُ شَرُّكُمْ بِاللَّهِ» چراکه ریا شرک است. «إِنَّ الْمُرَائِيَّ يُدْعَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعَةِ أَسْمَاءٍ» شخصی که ریاکار است، فردای قیامت با چهار نام خوانده می‌شود. «يَا كَافِرُ! يَا فَاجِرُ! يَا غَادِرُ! يَا خَاسِرُ!» به ریاکار می‌گویند: ای کافر! (روز قیامت او مؤمن نیست) ای فاجر! ای غادر! ای خاسر! کسی که به خودش ظلم کرده است؛ کسی که بیراه رفته و انحراف پیشه کرده است؛ کسی که اهل فجور، گناه و معصیت بوده است و کسی که متحمل خسارت‌های عظیمی شده است؛ فردای قیامت او را با این نام‌ها می‌خوانند. همین‌جا بدانیم، نام حقیقی انسان نامی است که فردای قیامت با آن نام او را صدا می‌زنند؛ نه نامی که اینجا به او خطاب می‌کنند، عارف جلیل‌القدر، حضرت آیه‌الله‌العظمی، حجة‌الاسلام‌والمسلمین، جناب مقدس‌فلان. فردای قیامت هیچ‌یک از اینها نیست؛ همه‌ی اینها کنار می‌رود. فردای قیامت از اسم واقعی افراد برای صدا زدنشان

استفاد می‌شود و با آن اسم صدا زده می‌شوند. آن اسم زاییده‌ی صفات آنهاست و آن صفات زاییده‌ی رفتار آنها. رفتاری که پیشه کردند، صفتی در آنها ایجاد کرد و صفت آنها، مبدأ اسم آنها است. فرد ریاکار شخص عرق‌خور یا انسان بی‌بندوبار نیست؛ انسان این کارها را که به دید این و آن عرضه نمی‌کند. ریاکار فرد نمازخوان است؛ شخص روزه‌گیر است؛ قاری قرآن است؛ انسان رزمنده‌ی در میدان جبهه و جنگ است؛ فرد انفاق‌کننده‌ی به فقرا و تهی‌دستان است. اینهاست که انسان برای جلب‌توجه و خوشنامی به دیگران عرضه می‌کند. فردای قیامت به همین افراد می‌گویند مشرک؛ کافر؛ فاجر و خاسر! خدا می‌داند فردای قیامت اسم ما چه باشد و با چه اسمی مورد خطاب واقع شویم!

خطاب می‌کنند: «یا کافر یا فاجر یا غادر یا خاسر ضلّ سعینک و حبط عملک و بطل آجزک و لا خلاق لك اليوم»<sup>۱۱</sup> عمل تو به بیراهه رفت؛ تمام تلاش تو در بیراهه صرف گردید و گم شد؛ عمل تو حبط و نابود گشت؛ اجر تو باطل گردید و هیچ‌چیز برای امروز نداری و پس‌انداز نکرده‌ای. آن همه نماز خواندی؛ روزه گرفتی؛ سخنرانی‌های مذهبی کردی؛ جنگ و جهاد کردی؛ انفاق و بذل و بخشش کردی؛ اما هیچ‌چیز برایت نماند. «و لا خلاق لك اليوم فالتمس آجزک ممن کنت تعمل له [یا مُخادِعُ]»<sup>۱۲</sup> ای خدعه‌ورز! برو اجرت را از کسانی که برای آنها عمل کردی، بگیر. تو که برای من خدا عمل نکردی؛ امروز هم که روز قیامت است، برو اجرت را از آنها بگیر.

۱۱. محمدتقی مجلسی، روضة المتّقین، ج ۲، ص ۴۴؛ حرّعاملی، وسائل الشّیعة، ج ۱، ص ۶۹ و مجلسی، بحار، ج ۶۹، ص ۲۹۵ و صدوق،

امالی، ص ۵۸۲.

۱۲. مجلسی، بحار، ج ۱، ص ۲۲۷ و محدّث‌نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰۵ و صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۴۱.

در حدیث دیگری آمده است: «یا فاجِرُ یا غادرُ یا مُرائیَ اَ مَا اسْتَحْيَيْتَ إِذَا اشْتَرَيْتَ بِطَاعَةِ اللَّهِ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؟» وقتی برای به دست آوردن اندک متاع عَرَضی دنیا؛ که پوچ است و هیچ، طاعت خدا را فروختی؛ آیا حیا نکردی؟ خجالت نکشیدی؟ «و رَاقَبْتَ قُلُوبَ الْعِبَادِ بِالتَّبَعُضِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى» مراقب بودی که دل بنده‌ها را به دست بیاوری، با خریدن بغض، عداوت و دشمنی خدا؟! «و تَزَيَّنْتَ لَهُمْ بِالشَّيْنِ عِنْدَ اللَّهِ» و خود را زینت دادی در چشم خلق خدا، با خریدن ننگ و زشتی‌ها در پیش خدا؟! «و تَقَرَّبْتَ إِلَيْهِمْ بِالْبُغْدِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى» و به خلق تقرب جستی؛ سعی کردی به خلق نزدیک شوی؛ خلق دوستت بدارند و در جمع خودشان راهت بدهند، با بُعد و دورشدن از خدا؟! «و تَحَمَّذْتَ إِلَيْهِمْ بِالتَّدْمِيمِ عِنْدَ اللَّهِ» و مدح و تعریف خلق را خریدی به قیمت ذم و نکوهش پروردگار؟! «و طَلَبْتَ رِضَاهُمْ بِالتَّعَرُّضِ لِسَخَطِ اللَّهِ تَعَالَى» و خشنودی خلق را به قیمت خشم و سخط پروردگار و خدای تعالی، برای خودت خریدی؟! «أَمَا كَانَ أَهْوَنَ عَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ؟!»<sup>۱۳</sup> آیا هیچ کس بی‌ارزش‌تر و پست‌تر از خدا در چشم تو نبود؟! اینها خطاب‌هایی است که به شخص ریاکار می‌شود.

ریا خطر مهلکی است. همه چیز را تباه می‌کند و یک عمر طاعت، عبادت، تقوا و مجاهدت را به باد می‌دهد. ریا هم قلب را فاسد می‌کند و صلاح قلب را از انسان می‌ستاند و هم توفیق عبادت را از انسان می‌گیرد. خدا به انسان ریاکار توفیق طاعت و عبادت نمی‌دهد؛ ریاکار نزد پروردگار از منزلت محروم می‌شود؛ از چشم خدا می‌افتد؛ از قرب خدا و

<sup>۱۳</sup>. شهیدثانی، التَّنْبِهَاةُ الْعَلِيَّةُ عَلَى وِطَائِفِ الصَّلَاةِ الْقَلْبِيَّةِ وَاسْرَارِهَا، باب منافیات؛ ابن‌فهدحلی، عدَّة الدَّاعِي، ص ۲۲۹ و ورام‌بن‌ابی‌فراس،

مجموعه‌الورام، ج ۱، ص ۱۹۱ و هاشمی‌خوبی، منهاج‌البراعة، ج ۳، ص ۳۳۴.

پادشاه‌های عظیم‌الخروی که شامل حال بندگان مخلص می‌شود، محروم می‌گردد؛ به عذاب‌های دردناک، الیم و عظیم‌الخروی مبتلا می‌شود و از عقاب مهلک‌الخروی مصونیت ندارد. ریاکار به هم‌همی اینها مبتلا است. فردای قیامت هم، رسوا می‌شود و پرده از چهره‌ی به‌ظاهر مقدّس و خداپاور او می‌افتد و بین هم‌همی اهل محشر بی‌آبرو می‌گردد. اینها دستاوردهای ریا است.

انسان اگر تنها در یک عمل ریا کند، می‌داند آن ریا با او چه می‌کند؟! فرض کنید فردای قیامت اعمال شخصی را سنجیدند و در میزان گذاشتند. «وَنَصَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ»<sup>۱۴</sup> هنگامی که اعمالش را کشیدند؛ اعمال صالح او با اعمال بدش همتراز شد. درست برابر شد. یک عمل مانده است که نکشیده‌اند؛ مثلاً یک نماز، روزه یا عمل دیگری. آن عمل اگر خالص باشد، در کفّه‌ی اعمال خوب می‌رود و وزن کفّه‌ی اعمال خوب بیشتر می‌شود. «فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ؛ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ»<sup>۱۵</sup> اما اگر همان یک عمل که او را بهشتی می‌کرد؛ مثلاً نماز او، خدای نکرده نماز ریایی باشد، چه؟ آن نماز ریایی در کفّه‌ی اعمال بد می‌رود و آن کفّه سنگین می‌شود؛ «وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ؛ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ»<sup>۱۶</sup> ببینید یک عمل ریایی با سرنوشت جاودانه‌ی انسان چه می‌کند! چقدر می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد! حتی اگر شخص جهنمی هم نشود و اعمال صالح او چربیده باشد؛ اما یک عمل، طاعت، عبادت،

---

۱۴. سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۴۷.

۱۵. سوره‌ی قارعة، آیه‌های ۶ و ۷.

۱۶. سوره‌ی قارعة، آیه‌های ۸ و ۹.

انفاق در راه خدا و یا مجاهدت او مانده است و هنوز نکشیده‌اند؛ اگر این را بکشند و در ترازوی اعمال صالحش برود، او از مقربان درگاه الهی می‌شود و در بهشت با اولیاء و انبیاء علیهم‌السلام هم‌منزل می‌گردد؛ اما اگر آن عمل ریایی باشد و در آن ترازو بگذارند، ولو او را از بهشت هم بیرون نکنند؛ به مراتب پایین بهشت می‌رود و از جوار انبیاء و اولیاء علیهم‌السلام و قرب پروردگار محروم می‌شود. شما را به خدا می‌ارزد؛ که اگر کسی از من تعریف کرد؛ به دیده‌ی تمجید به من نگاه کرد؛ جلوی پای من بلند شد؛ گفت به به! فلانی عَجَب شخص با معنوبتی است! می‌ارزد برای آن انسان در قیامت چنین خسارت عظیمی متحمل شود؟! این از تبعات قیامتی ریاء؛ در دنیا هم شخص ریاکار دنیای خوبی ندارد. چون انسانی که در صدد است همه او را دوست بدارند؛ توجه همه به او جلب شود و بین همه جا داشته باشد، چنین انسانی باید رضایت همه را تأمین کند. شما می‌دانید سلايق خلق متفاوت است. من اگر این کار را بکنم، این فرد خوشش می‌آید، آن یکی می‌گوید: آه آه آه! این فرد عَجَب انسان بدی است! آن کار را بکنم، آن شخص خوشش می‌آید؛ این یکی می‌گوید: عَجَب شخص بدی است! انسانی که دنبال جلب‌نظر همه است، بلا تکلیف است و دچار پریشان‌خاطری و حشمتناکی می‌شود؛ چون سلیقه‌ی همه با هم یکسان نیست، که من اگر به یک‌شکل خاص رفتار کنم، همه از من خوششان بیاید. هر کار کنم، یک‌عده تعریفم را می‌کنند؛ یک‌عده می‌گویند: آه آه! و مرا تکذیب، مذمت و نکوهش می‌کنند؛ لذا انسان ریاکار در همین دنیا دچار پریشان‌خاطری و فشارهای روحی و روانی می‌شود.



عرضم را جمع کنم. بحث ریا هنوز ادامه دارد. باید باز هم ریا را بشکافیم و پس از آن اگر خدا عمری دهد، وارد معالجه‌ی این بیماری عظیم و مهلک روحی و معنوی شویم.

از خدای متعال می‌خواهیم با عنایات خود ما را از لغزیدن در ورطه‌های عجب و ریا مصون و محفوظ بدارد. به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ